

کنده‌های ایستاده

بهروز کمائی



فکر و نوشتن

سرشناسه	کمائى، بهر وز
عنوان و نام پديدآور	کُنده هاى ايستاده / بهروز کمايى. اهواز،
مشخصات نشر	سوسا، ۱۳۹۹
مشخصات ظاهري	۲۸۸ ص
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۶۰۲۳-۵۰-۴ : ۷۰۰۰۰۰۵۷ريال
وضعيت فهرست‌نويسى	فيا
موضوع	ضرب المثل هاى فارسى، Proverbs, Persian
موضوع	ضرب المثل هاى ايرانى -- تاريخ و نقد
موضوع	Proverbs, Iranian-- History and criticism
رده بندى کنگره	PIR۳۹۹۵
رده بندى ديويى	۳۹۸/۹فا
شماره کتابشناسى ملي	۷۵۱۶۷۸۵

کُنده هاى ايستاده

مؤلف: بهروز کمايى

طرح جلد و صفحه آرايى: عليرضا بيت اللهى

ليتوگرافى و امور فنى: پرديس

چاپ اول: ۱۳۹۹

تيراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافى: پيشگام

قيمت: ۴۰۰۰۰ تومان

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۲۳-۵۰-۴

حق چاپ براى مؤلف محفوظ است

Susa.Public@gmail.com



نشر سوسا

فهرست مطالب

۱۱	حرف اول:
۱۲	تاریخچه ضرب المثل:
۲۰	«آب حیوان درون تاریکی است»
۲۳	«آتش بیار معرکه»
۲۶	«آفتابی شدن»
۲۷	«آهسته که آسمان نداند»
۳۲	«از بی کفنی زنده ایم»
۳۳	«از ترس گدایی، یک عمر گدایی»
۳۵	«از چشم دور و از دل دورتر»
۳۷	«از ریش به سبیل پیوند می‌کند»
۴۰	«از شما عباسی، از ما رقاصی»
۴۲	«استخوان لای زخم گذاشتن»
۴۴	«اسمش را نبر، خودش را بیاور»
۴۷	«اکبر ندهد، خدای اکبر بدهد»
۵۰	«اگر کسی را رم ندهی کسی با تو کار ندارد»
۵۴	«اگر نی زنی! چرا بابات از حصه مُرد؟»

۱۶۱ «چو داروی تلخ است دفعه مریضی»
۱۶۲ «چیزی در جیب ندارم»
۱۶۳ «چراغ تاریک از این تاریک‌ها بهتر دارد»
۱۶۴ «چراغی بر او کتبی چند»
۱۶۵ «چشم‌شمار»
۱۶۶ «چشم‌شمار»
۱۶۷ «چشم‌شمار»
۱۶۸ «چشم‌شمار»
۱۶۹ «چشم‌شمار»
۱۷۰ «چشم‌شمار»
۱۷۱ «چشم‌شمار»
۱۷۲ «چشم‌شمار»
۱۷۳ «چشم‌شمار»
۱۷۴ «چشم‌شمار»
۱۷۵ «چشم‌شمار»
۱۷۶ «چشم‌شمار»
۱۷۷ «چشم‌شمار»
۱۷۸ «چشم‌شمار»
۱۷۹ «چشم‌شمار»
۱۸۰ «چشم‌شمار»
۱۸۱ «چشم‌شمار»
۱۸۲ «چشم‌شمار»
۱۸۳ «چشم‌شمار»
۱۸۴ «چشم‌شمار»
۱۸۵ «چشم‌شمار»
۱۸۶ «چشم‌شمار»
۱۸۷ «چشم‌شمار»
۱۸۸ «چشم‌شمار»
۱۸۹ «چشم‌شمار»
۱۹۰ «چشم‌شمار»
۱۹۱ «چشم‌شمار»
۱۹۲ «چشم‌شمار»
۱۹۳ «چشم‌شمار»
۱۹۴ «چشم‌شمار»
۱۹۵ «چشم‌شمار»
۱۹۶ «چشم‌شمار»
۱۹۷ «چشم‌شمار»
۱۹۸ «چشم‌شمار»
۱۹۹ «چشم‌شمار»
۲۰۰ «چشم‌شمار»

«فر و غی بسازد در آن جانان»	۲۰۵
«صافیش به رخت ما خورده»	۲۰۴
«شب سمور گذشت و لب تنور گذشت»	۲۰۲
«سگ داند و پینه دوز در اینان چیست»	۲۰۰
«سگ نازی آباد»	۱۹۸
«سند سکندر باشی!»	۱۹۶
«زندگی سگی دانستی»	۱۹۳
«روی بیج کرد و جای بلند نکرد!»	۱۸۹
«روضه جان پشم خال»	۱۸۷
«روزگار آینه را محتاج خاکش کند»	۱۸۴
«دیو خویش روی به از خورگه پشانی»	۱۷۹
«دیدای که چه کرد اشرف خیر»	۱۷۳
«دوباره بسلم الله»	۱۶۹
«دم روانه از زبانی در تله است»	۱۶۷
«دلو حاجی میرزا آقاسی»	۱۶۵
«دری وری گهین»	۱۶۲
«خورشید را به گل تیران اندود»	۱۶۱
«خون سبزه»	۱۵۱
«خوشا چاهی که آب از خود برآرد»	۱۴۹
«خیر اینها کردن»	۱۴۱
«خدا میان دانه گندم خط گذاشته»	۱۳۶
«خوان یغما»	۱۳۱
«حق الشریعت»	۱۳۱
«حکیم با کسی را دراز کشد»	۱۲۸
«حکیم، حکیم نادر و مری مغاجات»	۱۲۱
«حرف مفت زدن»	۱۲۸
«حرف های بلند تنبلی»	۱۲۱
«چو فردا فکر فردا کنیم»	۱۲۴